

## رسالت حوزویان در استحکام روحیه مقاومت در جامعه

علی ذوعلم\*

### چکیده

اسلام، دینی پویا، جهادی و تحول‌خواه است که جوهره آن بر مقاومت، مبارزه با ظلم و ایستادگی در برابر استکبار جهانی است. این نوشتار با تکیه بر آموزه‌های قرآن، سنت و اندیشه رهبران دینی، نشان می‌دهد که محور اصلی تقابل اسلام، نه کفر اعتقادی بلکه نظام سلطه و استکبار است. در این چارچوب، «مقاومت» نه تنها امری سیاسی، بلکه مفهومی اعتقادی و توحیدی است که بر ایمان، صبر و معرفت دینی استوار است. نویسنده با تبیین نسبت هزینه‌های مقاومت و سازش، بیان می‌کند که مقاومت، سرمایه‌ساز و سازش، سرمایه‌سوز است. رسالت حوزه‌های علمیه در این میان، تقویت بنیان‌های فکری و معنوی مقاومت، روشنگری نسبت به خطرات سازش و تربیت جامعه‌ای مؤمن و بصیر است. مقاله همچنین با اشاره به حماسه دفاع ۱۲ روزه و «اتحاد مقدس» جهان اسلام، آن را نمادی از بیداری امت اسلامی و غلبه نرم‌افزار تمدن اسلامی بر نظام سلطه می‌داند. در نهایت، مقاومت در نگاه اسلام، نه یک تاکتیک موقت بلکه راهبردی الهی برای اقامه دین، حفظ عزت امت و زمینه‌سازی ظهور منجی موعود است.

**واژگان کلیدی:** اسلام، مقاومت، استکبار، سازش، حوزه‌های علمیه، جهاد تبیین.

---

\*. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، mrahimi1388@yahoo.com  
مقاله پیش رو برگرفته از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین استاد علی ذو علم در چهارمین دوره آموزشی شبیه‌شناسی، روش پاسخ و مواجهه از سوی مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات در تاریخ ۱۴۰۴/۶/۱۸ در شهر قم است.

## مقدمه

حوزویان پیش‌قراولان آماده‌سازی و آماده شدن برای ظهور هستند. امیدواریم که قدر و جایگاه، منزلت، ظرفیت و خطیر بودن کار خودمان را هرچه بیشتر حس کنیم و خدای متعال توفیق انجام وظیفه را به همه ما عنایت کند. بحث من تأملی در مورد رسالت حوزویان در استحکام روحی و معنوی مقاومت در جامعه است؛ همان نکته‌ای که رهبر معظم انقلاب در پیام کوتاه و پرمغز خود به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای حماسه دفاع مقدس ۱۲ روزه فرمودند و وظیفه‌ای را برای حوزویان تأکید کردند.

## اسلام؛ دین جهاد و مقاومت

نکته اول این که اساساً اسلام دین جهاد، مقاومت و مبارزه است. این بحث در کتابی به عنوان نظریه تحول در اسلام تحقیق و منتشر شده است. شهید مطهری رحمته الله علیه نیز در کتاب‌های خود در باب انقلاب می‌فرماید: «اسلام اصلاً دو انقلاب است»؛ یعنی چیزی جز انقلاب نیست: یک انقلاب درون و یک انقلاب بیرون. به طور خلاصه، جوهره اسلام، انقلابی است، جوهره اسلام، جهادی است (سایت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی)، جهاد لازمه ایمان است. در ارکان ایمان که حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه در حکمت ۳۱ مطرح می‌کنند، یکی جهاد است. اصلاً اسلام منهای جهاد، اسلام نیست. اصلاً تشیع یعنی اسلام قرآن و عترت، اسلام عقل و نقل؛ این حقیقت اسلام است. خود جوهره آن جهاد، مبارزه و مقاومت است. کسی که مسلمان هم نیست، اگر یک بار قرآن را از اول تا آخر مرور کند، غیر از این نیست. اسلام دین تحول است. هیچ تحولی، هیچ تغییری و هیچ پیشرفتی در جهت استقرار اسلام و اقامه دین اتفاق نمی‌افتد، مگر با جهاد، مبارزه، تلاش جدی، پیگیر و مقابله با دشمنان. متأسفانه مسئله در جامعه ما و حتی در جامعه حوزوی ما در بعضی از لایه‌ها این‌گونه جا نیفتاده است. جهاد در حد یک «باب‌الجهاد» از ۵۲ باب فقه دیده می‌شود، درحالی‌که فقه، فرع دین است و در اسلام، جوهره و رکن اصلی آن، جهاد است.



## رسالت حوزه؛ اقامه دین و جهاد تبیین

نکته دوم این که اساساً رسالت حوزه، اقامه دین است. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ»؛ همان گونه که خداوند در آیه نفر می فرماید: هجرت مقدمه انذار است که قوم خود را انذار دهند (سایت خبرگزاری رسمی حوزه، سه شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲)، هشدار دهند و آگاه کنند. این آگاهی سازی در قالب همین ابلاغ و تبیین و بلاغ است. «جهاد تبیین» که رهبر انقلاب سالهاست بر آن تأکید دارند، آن هم تنها تبیین نیست، «جهاد تبیین» است؛ یعنی حضور در یک عرصه ای دشوار و چالشی برای تبیین. در این راه باید حلم و بردباری داشت، باید پذیرفت که گاهی نیز اهانت می شود؛ چرا که در وسط معرکه جهاد هستیم.

اتفاقی که در جامعه ما در این ۱۲ روز حماسه دفاع در برابر تجاوز رژیم صهیونی و آمریکای جنایتکار افتاد، واقعاً یک لطف الهی، یک معجزه الهی بود. درک ما از این واقعه چیست؟ روایت سازی و تبلیغات جبهه دشمنان که معلوم است. بعضی ها فکر می کنند اگر آمریکا صریحاً اعلام کرد که «بله، ما در این جنگ شکست خوردیم» و ترامپ نیز امضا کرد؛ یعنی شکست خورده اند. آن ها از شکست های سخت خودشان نیز سعی می کنند پیروزی روایت کنند. دنیا فهمید که آمریکا و اسرائیل که رجزخوانی می کردند که: «آقا، می آیم، حمله می کنیم»، حمله کردند، چه شد؟ بله، ما شهید دادیم، خسارت دادیم، اما آن ها چه؟ اگر آسیب به ما وارد شد، آسیب به آن ها چندین برابر بود. نباید خسارت ها را فقط از نظر مادی و ساختمان و تعداد کشته و غیره... محاسبه کرد، وجهه آن ها در جهان شکست خورد. البته جنگ نیز تمام نشده است، آن جنگ اساسی که همیشه هست و خواهد بود، همان دفاع در عرصه فکر و تربیت و نگرش و ادراک جامعه است. در این جنگ مشخص شد که انقلاب اسلامی پس از دوره دفاع مقدس، فناوری نرم مقابله با دشمنش بسیار غنی سازی شده است؛ یعنی اگر ما در دفاع مقدس ۸ ساله، پس از ۸ سال و با آن خسارت های مادی و انسانی فراوان (که به ظاهر خسارت بود)، توانستیم دشمن را ناکام بگذاریم، اینجا پس از ۱۲ روز این اتفاق افتاد. این در حقیقت غنی سازی فناوری نرم مقابله با دشمن است. این غنی سازی، انرژی بسیار زیادی تولید کرد. ۱۲ روز درگیری با خسارت بسیار کمتر (که البته خسارت بالاخره وجود داشت)، اما از نظر قدر و اندازه و محاسبه هزینه و منفعت، با دفاع



مقدس قابل قیاس نیست. در دوره دفاع مقدس، کل جهان عرب (غیر از دو کشور) علیه کشور ما بود، ولی در این ماجرا، کل جهان اسلام با ما بود. در آن ماجرا، طرف مقابل ما نیز مسلمان بودند. در آن ماجرا، ما یک دشمن عنود و لجوج منطقه‌ای را ناکام کردیم، ولی در این ماجرا، دشمن جهانی شکست خورد. چه کسی باور می‌کرد روز چهارم یا پنجم جنگ یا پس از یک هفته، به التماس بیفتند برای آتش‌بس؟ البته آن‌ها دروغ می‌گویند. آن مردک احمق مستکبر می‌گوید: «هر دو از ما درخواست کردند». کی درخواست کرد از شما؟ یعنی شما هم آدم خوبی هستی که وقتی ایران درخواست کرد، قبول می‌کنی؟ این آتش‌بسی که برای غزه می‌خواهند ایجاد کنند... (مشرق نیوز) ببینید چقدر بازی درمی‌آورند. اگر ذره‌ای احتمال می‌دادند که ادامه این جنگ ۱۲ روزه به نفعشان است، قطعاً متوقف نمی‌کردند. بسیار روشن است. آن‌ها متوقف کردند. ما سه چهار ساعت بعد نیز باز ادامه دادیم. آخرین شلیک را نیز ما انجام دادیم، ولی به روی خودشان نیاوردند یعنی آن‌ها تا این حد در موضع ضعف بودند. این فقط قدرت خدای متعال بود. البته تلاش و مجاهدت و تدبیر و همه این‌ها هست، اما امام علیه السلام در ماجرای آزادسازی خرمشهر فرمود: «خرمشهر را خدا آزاد کرد» (امام خمینی، ج ۱۶، صص ۲۵۷-۲۵۹). این یک واقعیت است. این نگاه توحیدی است... باید حواسمان باشد. به نظر می‌رسد وظیفه ما این است که در درجه اول، این نگاه را در جامعه نگذاریم فراموش شود یا دچار غفلت شود. کارشناس‌ها در تلویزیون، رسانه‌ها، درباره محاسبات مادی، اجتماعی، سیاسی و... بحث می‌کنند، ولی توجه کنیم که: «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ» (یوسف: ۱۲)، «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷). این سنت الهی یک‌بار دیگر خودش را نشان داد و یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این دفاع ۱۲ روزه، همین «اتحاد مقدس» بود؛ به قول حضرت آقا که تعبیر بسیار عمیق و دقیقی است: «اتحاد مقدس» (سایت شانا، ۱۴۰۴)؛ زیرا این اتحاد، اتحاد برای کشورگشایی نیست. اتحاد برای این‌که یک طایفه یا طیفی به قدرت برسند، نیست. یک اتحاد ناسیونالیستی صرفاً ملی‌گرایانه نیست. این اتحاد، با نگاه اعتقادی در جهت نجات جهان از دست این جهان‌خواران است. عروۃ الوثقی‌ای است که در آیه‌الکرسی مطرح شده؛ یعنی رسالت جهانی اسلام و رسالت جهانی تمدن‌ساز انقلاب اسلامی که برهم کاملاً منطبق هستند؛ لذا این اتحاد بسیار مقدس



است. برای شخص من و شما یا زید و عمرو نیست، برای یک هدف انسانی، هدف الهی، هدف توحیدی است. دفاع مقدس ۱۲ روزه، یک شوک وارد کرد به جامعه که جامعه بیدار شد. واقعاً ما پس از آن قضایای سال ۱۴۰۱ و هیجان‌هایی که ایجاد کردند، جوانان را فریب دادند، گول زدند، برای یک عده‌ای توهم‌سازی کردند... در بعضی از بحث‌هایی که با دوستان داشتیم، می‌گفتیم جامعه نیاز به یک شوکی دارد که بتواند جامعه را بیدار کند و آن توهمات را بزدايد. این شوک را این ۱۲ روز ایجاد کرد و نسل آینده بلکه چندین نسل آینده ما را درگیر مسئله انقلاب و جوهره انقلاب اسلامی کرد. دستاوردهای این دفاع، حماسه دفاع مقدس، بسیار دستاورد بزرگی بود.

یک بحثی که عموماً مطرح می‌شود، همین بحثی است که سال‌هاست مطرح است: بحث سازش و چالش. آقا، چالش ایجاد نکنیم. سازش داشته باشیم. بسازیم. دشمن ایجاد نکنیم و بعضی از آدم‌های ساده‌لوح... دیشب دیدید در مصاحبه تلویزیونی رئیس‌جمهور طرف می‌خواست از رئیس‌جمهور قول بگیرد که آن‌ها حمله نمی‌کنند. رئیس‌جمهور که نمی‌تواند از طرف آن‌ها قول بدهد که جنگ نمی‌شود! بله، ما که جنگ طلب نیستیم، ولی ما ایستاده‌ایم اگر جنگ شد، مقاومت می‌کنیم. آن‌ها تصور باطلشان این است با جنگ ما را تسلیم کنند. تا وقتی این تصور باطل، این محاسبه باطل در ذهنشان خراب نشود، سعی می‌کنند که ما را بالاخره با این ابزارهای سخت درگیر کنند.

### اسلام و مسئله سازش با کفر و استکبار

یکی از مباحث اساسی در حوزه اندیشه سیاسی اسلام، نسبت اسلام با سازش است. پرسش اصلی این است که آیا اسلام اساساً اهل سازش است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش نیازمند بررسی دقیق مبانی دینی است.

اسلام، با کفر سازش ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۵۸۱). البته مقصود از کفر در اینجا، صرفاً کفر اعتقادی نیست؛ به این معنا که هر غیرمسلمانی دشمن اسلام تلقی شود. قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند: «خدای متعال شما را نهی نمی‌کند از این‌که به کسانی که با شما ننگیده‌اند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند، نیکی کنید و با آنان عدالت کنید»؛ بنابراین، محور اصلی تقابل اسلام نه «اسلام و کفر اعتقادی»، بلکه «اسلام و استکبار» است.

استکبار یعنی سلطه‌طلبی (مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۳۸۳)، تحقیر و به زانو درآوردن ملت‌ها و جلوگیری از پیشرفت آن‌ها. براساس آموزه‌های دینی، اسلام در برابر چنین دشمنی ایستادگی می‌کند. امام خمینی رحمته اسلام را دینی معرفی می‌کند که برای مبارزه با «ظلم و ظلمت» آمده است. ظلمت در این تعبیر، به معنای جهل، نادانی و سفاقت است و ظلم نیز در همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مطرح است. به بیان امام، پیامبران آمده‌اند تا راه مبارزه با ظلم را به انسان‌ها نشان دهند. بر این اساس، سازش با ظلم و استکبار در ذات اسلام جایگاهی ندارد.

البته اسلام عقلانیت را نفی نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۵۷). در منابع اسلامی، تقیه، مانورهای سیاسی، گفت‌وگو و حتی تغییر موقت مواضع، به‌عنوان شیوه‌هایی عقلانی برای فریب دشمن و پیشبرد اهداف مطرح شده است، اما این موارد، به معنای سازش نیستند. سازش، یعنی پذیرش سلطه و هم‌نشینی با دشمن. قرآن کریم نیز هشدار می‌دهد که مؤمنان نباید زیر سلطه کفار و مستکبران قرار بگیرند.

حتی در ماجرای صلح امام حسن علیه السلام نیز مسئله سازش مطرح نبود. برخی محققان معتقدند آنچه در تاریخ به «صلح» امام حسن شهرت یافته، در حقیقت یک قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس بوده است؛ نه سازش و هم‌زیستی با دشمن. بدیهی است که میان امام معصوم علیه السلام و یک حاکم مستکبر نمی‌تواند صلحی به معنای سازش و برادری برقرار شود (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷).

اسلام، دینی توحیدی است و در مقابل شرک و دنیاگرایی مستکبران قرار دارد. اسلام معنویت و اخلاق را اساس می‌داند (علیزاده، ۱۴۰۱)؛ درحالی‌که استکبار ضد معنویت است. این دوگانگی بنیادین، امکان سازش را از اساس منتفی می‌سازد. از همین رو، کسانی که مدعی‌اند برای کاهش هزینه‌ها باید سازش کرد، از منطق اسلامی فاصله دارند.

رهبر انقلاب در سال‌های گذشته بارها تأکید کرده‌اند که «چالش با دشمن» هزینه دارد، اما این هزینه کمتر از هزینه سازش است. تاریخ نیز نشان می‌دهد که ملت‌هایی که با نظام سلطه سازش کرده‌اند، نه تنها از هزینه‌ها رهایی نیافته‌اند، بلکه دچار خسارت بیشتری شده‌اند. نمونه روشن آن کشور مصر است که پس از سازش با رژیم صهیونیستی، در عرصه



اقتصادی، علمی، هویتی و استقلال سیاسی تضعیف شد.

مقایسه هزینه‌های مقاومت و هزینه‌های سازش نشان می‌دهد که هزینه‌های مقاومت، سرمایه‌ساز است، درحالی‌که هزینه‌های سازش، سرمایه‌سوز خواهد بود. مقاومت، سرمایه‌ایمانی، فرهنگی، انسانی و اجتماعی را تقویت می‌کند. اما سازش، این سرمایه‌ها را از بین می‌برد. تجربه دوره پهلوی نمونه روشنی از سازش کامل بود که به نابودی فرهنگ، علم، استقلال و عزت ملی منجر شد. در مقابل، مقاومت و ایستادگی ملت ایران پس از انقلاب، سرمایه‌های ارزشمندی همچون شهدا و شخصیت‌هایی چون شهید سلیمانی را برای جامعه به همراه آورد. شهادت این بزرگان، نه تنها خسارت نبود، بلکه سرمایه اجتماعی عظیمی شد که حتی دشمنان اعتراف کردند، شهادتشان از حیاتشان برای نظام سلطه پرهزینه‌تر بود.

### وظیفه تذکر دائمی به مبانی و اصول

اسلام دینی است که بر «تذکر» و «ذکر» بنا شده است. یادآوری مداوم ارزش‌ها و مبانی دینی، عامل پایداری جامعه اسلامی است. نماز، اذان و سایر عبادات، جلوه‌هایی از این ذکر دائمی‌اند. اگر جامعه از این ذکر غافل شود، گرفتار دنیاگرایی و منافع زودگذر خواهد شد. رهبر انقلاب تأکید کرده‌اند که ذکر باید همواره در زندگی فردی و اجتماعی جاری باشد.

یکی از نمونه‌های عملی این نگاه، سیره علماست. مرحوم آیت‌الله اشتهاردی رحمته‌الله علیه در دوران دفاع مقدس، هنگامی که اوضاع اقتصادی مردم دشوار بود، بارها به طلاب تذکر می‌داد که نباید مانند عوام‌الناس صرفاً درگیر قیمت‌ها و مشکلات روزمره شوند. او یادآور می‌شد که اسلام احیا شده و طلاب باید نگاه عمیق‌تر و اعتقادی‌تری داشته باشند. چنین یادآوری‌هایی، جامعه را از غفلت دور کرده و روحیه مقاومت را تقویت می‌کند.

بنابراین، اسلام نه تنها اهل سازش نیست، بلکه با تکیه بر عقلانیت، مقاومت و تذکر مستمر، جامعه را در برابر استکبار جهانی پایدار نگه می‌دارد. هزینه‌های مقاومت، سرمایه‌ساز است و هزینه‌های سازش، جز نابودی و از دست رفتن هویت و استقلال نتیجه‌ای ندارد. علاوه بر این که در چالش با دشمن و مقاومت در برابر او، اگر جبهه حق هزینه می‌دهد، جبهه باطل هم هزینه می‌دهد! اما در سازش، همه هزینه‌ها بر جبهه حق تحمیل می‌شود و جبهه باطل، منافع خود را تأمین می‌کند.

## رسالت حوزه‌های علمیه در تبیین سازه مقاومت

رسالت اصلی حوزویان در شرایط کنونی، بازخوانی و تذکر مداوم نسبت به «سازه مفهومی مقاومت» است؛ همان‌گونه که قرآن کریم فرموده است: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره: ۴۵)، این مقاومت نیازمند خشوع و تقویت روحیه جمعی در جامعه است. بااین‌حال، گاه مشاهده می‌شود که برخی افراد، حتی در میان اهل علم و روحانیت، ناخواسته در زمین محاسبات دیگران بازی می‌کنند و سخنانی را تکرار می‌نمایند که در واقع بازتاب نگاه جریان‌های بیگانه است.

یکی از مصادیق این خطا، نگاه به شهادت به‌عنوان خسارت است. درحالی‌که شهید بهشتی به روشنی بیان داشت: «شهدا را ما به دست می‌آوریم، نه این‌که از دست بدهیم» (آقای، ۱۳۹۰) شهادت نه تنها از دست رفتن سرمایه نیست، بلکه به دست آوردن سرمایه‌ای اجتماعی و معنوی است که هم در عرصه اجتماعی و هم در عرصه معنوی، جامعه را غنی می‌سازد. بر این اساس، هزینه مقاومت و هزینه سازش هر دو وجود دارند، اما ماهیت این هزینه‌ها متفاوت است. سازش، هویت و استقلال جامعه را نابود کرده و منابع اقتصادی، علمی و فرهنگی آن را به یغما می‌برد، درحالی‌که هزینه مقاومت، سرمایه‌ساز و آینده‌ساز است.

یکی از مشکلات اساسی، ضعف درونی بخشی از جریان‌های حوزوی و مذهبی است. گاهی در مساجد یا منابر، به جای تبیین رسالت مبارزه با استکبار، سکوت یا حتی توجیه مواضع بیگانگان دیده می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود مردم احساس کنند که بخشی از علما نسبت به وظایف خود در قبال جامعه اسلامی بی‌توجه‌اند؛ درحالی‌که رسالت اصلی روحانیت، تقویت اندیشه مقاومت در میان مردم و روشنگری نسبت به خطرات سازش است.

راه اصلاح این وضعیت، گفت‌وگو و مناظره علمی است. حوزه باید فضایی ایجاد کند تا استادان و طلاب، برپایه عقل، قرآن، سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام، دیدگاه‌های خود را مطرح و نقد کنند. اگر طلبه‌ای در مواضع سیاسی خود دچار خطا شده و مثلاً به رسمیت شناختن آمریکا یا دفاع از «اسلام آمریکایی» را مطرح می‌کند، باید در فضایی علمی و محترمانه به



نقد و اصلاح اندیشه او پرداخت. بیانیه‌دادن علما در محکومیت چنین دیدگاه‌هایی مفید است، اما کافی نیست؛ بلکه باید با مناظره و گفت‌وگوی منطقی، ریشه‌های فکری این انحراف روشن شود.

در بسیاری از موارد، ساده‌لوحی یا ترس، عامل چنین خطاهایی است. برخی افراد به دلیل تمایل به آسایش و آرامش فردی، از مواجهه با استکبار پرهیز می‌کنند و به همین دلیل موضعی سازش‌کارانه اتخاذ می‌کنند. این در حالی است که تاریخ نشان داده است چنین دیدگاه‌هایی در میان نسل‌های بعدی پایگاه و پذیرشی نخواهد داشت. امروز حتی نسل جوان در دانشگاه‌های بزرگ کشور، نسبت به این رویکردهای محافظه‌کارانه واکنش منفی نشان می‌دهد.

حقیقت آن است که هزینه مقاومت، سرمایه‌ساز است. خون شهدا به جوشش می‌آید و نسل‌های بعدی را برای ادامه مسیر تربیت می‌کند. در انقلاب اسلامی هزاران شهید تقدیم شد و همین خون‌ها، نیروی انسانی لازم برای دفاع مقدس را فراهم ساخت و به پیروزی ملت انجامید. هر هزینه‌ای که در مسیر مبارزه داده شود، در واقع تبدیل به سرمایه‌ای پایدار برای آینده خواهد شد.

از این رو، وظیفه حوزه علمیه آن است که با تذکر و بازخوانی مستمر مفاهیم مقاومت، جامعه را مقاوم‌سازی کند. این مقاوم‌سازی ابعادی گوناگون دارد: سیاسی، عبادی و اعتقادی. کسی که به بهشت و جهنم ایمان دارد و به مقام شهید باور دارد، در بُعد معنوی تقویت می‌شود و در برابر فشارهای مادی عقب‌نشینی نمی‌کند.

ابزارهای حوزه در این مسیر روشن است: زبان، قلم، عمل و شبکه مساجد. بیان و نوشتار، نخستین ابزار روحانیت برای تبیین معارف است. افزون بر آن، عمل و سیره شخصی علما، خود به‌عنوان دعوت عملی مردم به مقاومت، تأثیرگذار است. همچنین مساجد، به‌عنوان پایگاه‌های مردمی و معنوی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت فرهنگ مقاومت دارند.

باید توجه داشت که صرف حضور در مسجد یا نماز جماعت، به‌تنهایی کافی نیست. مؤمنان مسجدی باید خودشان به‌عنوان عناصر فعال در ترویج اندیشه مقاومت شناخته

شوند. اگر این بدنه متدین جامعه محکم شود، به‌طور طبیعی اثرات آن در کل جامعه منتشر خواهد شد.

از منظر اعتقادی، نخستین سازه مفهومی مقاومت، باور توحیدی است: «لا مُؤَثَّرٌ فِي الْوُجُودِ إِلَّا بِاللَّهِ» (طباطبایی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۷۶). هرچه در عالم رخ می‌دهد، به اراده الهی است. این نگاه توحیدی آرامش می‌آورد و جامعه را از اضطراب‌های ناشی از فشار دشمنان مصون می‌دارد. دومین سازه، فهم معنای حقیقی حیات است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فَالْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَفْهُورِينَ وَ الْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۱)؛ مرگ واقعی در زندگی همراه با ذلت و زندگی حقیقی در مرگ با عزت است. کیفیت زندگی، نه صرف طول عمر، معیار حیات انسانی در اندیشه اسلامی است.

اساس خلقت این عالم برای بشر این است که خداوند می‌خواهد خلیفه‌الله تربیت کند (طباطبایی، ج ۱، ص ۱۷۸) و این جز در بستر امتحان الهی، ممکن نیست. البته این آزمایش به معنای امتحان برای اطلاع خداوند نیست؛ زیرا خدا از همه چیز آگاه است. در حقیقت، ابتلا وسیله‌ای برای ساختن انسان‌ها است. انسان‌ها در میدان بلا و آزمایش‌ها پرورش می‌یابند.

در مجامع روایی ما، بابی آمده به‌عنوان: «باب البلاء و التمهيص» باب بلا و امتحان، نخست به روی اولیای الهی گشوده می‌شود و سپس به روی کسانی که شبیه‌تر به آنان هستند؛ بنابراین اگر جامعه ایمانی دچار ابتلائات نشود، باید در ایمان خود شک کند. درست مانند بیماری که اگر علائم حیاتی در او دیده نشود، باید به سلامتی‌اش تردید کرد.

معنای این سخن آن است که اگر در مسیر انجام وظیفه به مشکلاتی برخوردیم، باید صبر و تحمل پیشه کنیم. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَحْنُ صَبْرٌ وَ شِيعَتُنَا أَصْبَرُ مِنَّا، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، كَيْفَ صَارَ شِيعَتُكُمْ أَصْبَرَ مِنْكُمْ؟ قَالَ: لِأَنَّ نَصْرَ عَلِيٍّ مَا نَعْلَمُ وَ شِيعَتُنَا يَصْبِرُونَ عَلَى مَا لَا يَعْلَمُونَ (مجلسی، ۷۱ ج، ص ۸۰).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ما خاندان، صبور و شکیبائیم و شیعیان ما، از ما هم شکیباترند. گفتم: جانم به فدایت، چگونه شیعیان شما از شما شکیباترند؟ فرمود: چون صبر ما بر چیزی است که می‌دانیم، اما شیعیان ما صبر و شکیبایی می‌ورزند بر چیزی که نمی‌دانند.



«شما از ما صبورتر هستید». چگونه ممکن است؟ پاسخ این است که ما بلا را بلا می‌بینیم و در برابرش صبر می‌کنیم، اما معصومین بلا را نعمت می‌دیدند و در برابرش شکر می‌کردند. می‌فرمودند: خدایا! شکر می‌کنم که چنین صحنه‌ای برایم فراهم کردی تا اجر بیشتری ببرم، توجه و تضرع به تو بیشتر شود.

البته این مفاهیم برای برخی جریان‌های سیاسی یا نویسندگان بیانیه‌ها شاید بی‌معنا باشد. آنان می‌گویند این حرف‌ها مربوط به عرفان یا معنویت فردی است و ربطی به عرصه سیاست ندارد، حال آن‌که زندگی انسان تفکیک‌پذیر نیست؛ انسان یک موجود واحد است. نمی‌توانیم بگوییم بخشی از وجود ما سیاسی است و بخشی اعتقادی. وقتی این مفاهیم در جامعه یادآوری می‌شود، آرامش روحی به مردم می‌دهد.

اما معنای واقعی شکست و پیروزی چیست؟ من در جمعی عرض کردم: حتی اگر در یک ماجرا شکست ظاهری بخوریم، باز هم حق شکست نخورده است. مگر در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکست‌های ظاهری نداشتیم؟ دشمنان اسلام بارها شکست خوردند، بی‌آبرو شدند، بی‌حیثیت شدند، اما دست از دشمنی برنداشتند. آنان در باطل خود محکم‌تر بودند؛ پس ما نیز در حق خود اگر ایستادگی کنیم، پیروزیم.

اگر تقدیر الهی بر این باشد که ضربه‌ای بخوریم، باز هم در سنت الهی معنا دارد. قرآن کریم می‌فرماید: حتی پیامبر هم از دنیا رفت. ائمه شهید شدند. امام عصر علیه السلام نیز در غیبت هستند؛ پس پایداری دین وابسته به فرد خاصی نیست. ابتلائات فرصتی است تا معارف دینی عمق پیدا کند و زمینه‌ای برای رشد معنوی جامعه باشد. این‌ها فرصت‌های طلایی‌اند که باید از آن‌ها بهره گرفت.

### سنت قضا و قدر و نصرت الهی

در کتاب‌ها و سخنان بزرگان، از جمله شهید صدر، به سنن الهی اشاره شده است. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر آن تأکید کرده‌اند. اگر مؤمنی به این سنت‌ها توجه نکند، مقاومتش سست می‌شود؛ نه تنها در عرصه سیاست و اجتماع، بلکه حتی در زندگی خانوادگی. برای نمونه، طلبه جوانی که تازه ازدواج کرده، اگر با همسرش ناسازگاری دید، نباید بلافاصله ناامید شود، بلکه باید آن را فرصت خودسازی بداند.

یکی از بزرگان اخلاق که ما از کودکی با خانواده او آشنا بودیم، همسری ناشنوا داشت. او با نهایت مهربانی و ملاحظت با همسرش زندگی کرد و همین رفتار، او را به انسانی برجسته و الهی تبدیل ساخت. این همان سنت الهی است که بلازمینه رشد انسان می‌شود. از همه بالاتر، دعا برای فرج است: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ». آیا این دعا صرفاً تشریفاتی است یا واقعاً خودمان را زمینه‌ساز ظهور می‌دانیم؟ حوزه‌های علمیه که ورثه‌الانبیاء هستند، در چه چیزی وارثیت دارند؟ در همان رسالت انبیا. همه انبیا برای فراهم‌سازی زمینه ظهور آمدند؛ یعنی بشر باید به سطحی از بلوغ برسد که بتواند حکومت حضرت صاحب‌الزمان عجلت فرجه را تحمل کند؛ عدالتش را بپذیرد و اهل جهاد و اخلاص باشد.

یکی از برداشت‌های اساسی از نظریه ولایت‌فقیه همین است: ولی‌فقیه، رهبر و جلودار کسانی است که می‌خواهند زمینه‌ساز ظهور باشند. او موانع را برمی‌دارد و زمینه‌ها را فراهم می‌کند تا جامعه به بلوغ فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی برسد؛ پس وجود ولی‌فقیه برای همین معناست؛ برای راهبری این مسیر دشوار.

رهبر انقلاب در دوران کرونا فرمودند: ما باید مفاهیم بنیادین دین را در جامعه احیا کنیم. نمونه‌اش «مواسات» بود که در آن ایام برجسته شد. این مفاهیم در قرآن و روایات بسیار فراوان است و ما باید آن‌ها را در زندگی اجتماعی جاری سازیم.

برای نمونه آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷) که حضرت امام خمینی رحمته نیز بر آن تأکید داشتند. یعنی کارمند، معلم یا روحانی باید دنبال نصرت خدا باشد، نه نصرت خود. اگر چنین شود، نصرت الهی حتمی است.

### مخاطبان اصلی و شیوه‌ها

مخاطبان ما فقط مردم عادی نیستند. نخبگان، استادان دانشگاه، فرهنگیان و دانش‌آموزان نیز نیازمند تبیین این مفاهیم‌اند. تشکلهایی مانند بسیج اساتید، بسیج فرهنگیان و بسیج دانش‌آموزی ظرفیت عظیمی دارند. همچنین مبلغین، اهل رسانه و فعالان شبکه‌های اجتماعی باید در این مسیر فعال شوند.

از ابزارهای مهم، مناظره و گفت‌وگوست. رهبر انقلاب سال‌ها پیش بر «کرسی‌های آزاداندیشی» تأکید کردند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در شانزدهمین روز از ماه



مبارک رمضان، ۱۳۹۸). مناظره می‌تواند شکاف‌های فکری جامعه را کاهش دهد. حتی در دبیرستان‌ها باید نشست‌های پرسش و پاسخ در فضایی آزاد مطرح شود. جامعه همچنین نیازمند روح حماسی و شجاعت است. امام خمینی رحمته در آغاز دفاع مقدس بر لزوم تقویت روحیه حماسی در رسانه‌ها تأکید کردند.

### تعمیق معرفت دینی در جامعه

برای رشد جامعه، کارهای عمیق و مستمر لازم است. در برخی کشورهای اسلامی نظام آموزشی مدرسه‌ای-متفاوت از مدارس رسمی-دارند که دوره‌های آموزشی مستمر برای جوانان برگزار می‌شود تا قرآن و حدیث بیاموزند. ما نیز باید برای افزایش معرفت دینی جامعه برنامه‌ریزی کنیم؛ نه فقط با دو ساعت درس دینی در مدارس.

همچنین بازخوانی تاریخ معاصر ضروری است. در دوران دفاع مقدس مخالفت‌ها و معارضة‌ها با امام بسیار شدیدتر از امروز بود، اما با صبر و تبیین، جامعه همراه‌تر شد. این خود از برکات الهی است.

در نهایت باید بدانیم که در هر شرایطی وظیفه ما انجام تکلیف است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱)، تغییر در دست خداست، اما شرط آن عمل انسان است. امام خمینی رحمته همواره بر مفهوم «تکلیف» تأکید می‌کردند؛ ما مأمور به انجام تکلیفیم، نه نتیجه. البته تکلیف باید با تدبیر، عقلانیت و اثرگذاری همراه باشد.

پس وظیفه ماست که نخست عالم به تکلیف شویم، سپس قائل به تکلیف و در نهایت عامل به تکلیف. این سلول بنیادین تفکر انقلابی و توحیدی است که باید در جامعه گسترش یابد و ان‌شاءالله توسط تک‌تک عالمان و فضلا و طلاب، این تکلیف بهتر و عمیق‌تر تحقق یابد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امام خمینی، دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۸۶.
۲. آقای، مهدی، هم حسینی بود هم بهشتی، چ ۳، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۰.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله، قم: موسسه فرهنگی ایمان جهادی (مرکز صهبا)، ۱۳۹۳.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، نهاية الحکمة، چ ۵، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۷۱ ق.
۶. علیزاده، مهدی، «مناسبات دانش اخلاق و مطالعات معنویت در پارادایم علوم اسلامی»، دوفصلنامه معنویت پژوهی اسلامی، دوره ۱، ش ۱، ۱۴۰۱.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳.

## سایت

۱. سایت خبرگزاری رسمی حوزه، سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲.
۲. سایت شانا، شهریور ۱۴۰۴ - ۱۵:۳۱ کد خبر: ۶۶۳۱۳۶.
۳. سایت مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش‌های ایرانی اسلامی، جهاد اسلامی و آزادی عقیده/ استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری - بخش سوم.
۴. سایت مشرق نیوز، کد خبر ۱۷۲۹۸۹۱.